

چگونگی تشکیل هیئت موسس شورای محلات در شهر سنندج

اردشیر نصرالله‌بیگی

ardashir_ns@hotmail.com

قیام ۲۲ بهمن در ایران در همان فرصت کمی که برای توده بجان آمده از دیکتاتوری شاه دستاوردهای فراوانی داشت صرف نظر از اینکه جریانی اسلامی و در ادامه حکومت شاهی قدم بقدیم سنگرهای مبارزاتی در عرصه های گوناگون را از چنگ توده ها خارج کرد و لیکن این دست آوردها که در عرصه توده ای از جمله جنبش دانشجویی، زنان ستمدیده، کارگران به میدان آمده تا حد زیادی درسهای گرانبهایی بود که این نسل خود به نوعی در این مبارزات دخیل و شریک بود فراموش نخواهد کرد و آن را سینه به سینه نقل و در تاریخ به ثبت رسانده، از جمله این دست آوردها دخالت هرچه بیشتر توده‌ها در سرنوشت خویش چه به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که در نقاطی از این سر زمین بخصوص در کردستان که شرایط ویژه‌ای به واسطه احزاب سیاسی و شرایط مبارزاتی در شهرهای کردستان با تشکیل شوراهای شهرها، کمیته‌های گوناگون دانش آموزی ارگانه‌های مختلف در رابطه با زنان از جمله شورای زنان، در روستاها نیز اتحادیه‌های دهقانان بی زمین (یه‌کیه‌تی جوتیاران) که برای دفاع از کشاورزان فقیر و تهیدست و بی زمین در مقابل اربابان ظالم که بعدها همگی به خاطر موقعیت خود و حفظ آن به رژیم جمهوری اسلامی و دم و دستگاه سرکوبگر آن مبدل گشتند، که این خود از حوصله این مطلب خارج است و احتیاج به نوشته‌ای دیگر در این زمینه خواهد داشت، بهر صورت غرض از نوشتن این مقدمه لازمه آن بود تا به این مطلب بپردازم که بر اثر این فضای مبارزاتی و حفظ این دستاوردها بعد از اینکه رژیم جمهوری اسلامی شهرهای کردستان را بر اثر یورش نظامی و سنگر به سنگر و حتی شهر به شهر تسخیر نمود، در فاصله‌ای سه ماهه از ۲۸ مرداد ۵۸ تا حدود اواسط و یا اواخر مهر ماه طول نکشید، بر اثر مبارزات توده مردم در شهرها و جنگ مسلحانه و مقاومت پیشمرگان در خارج از شهرها رژیم وادار به عقب نشینی گردید و دوباره فضایی سیاسی و دموکراتیک بعد از دوره‌ای کوتاه ولی سخت خونین بدین معنی که رژیم بعد از یورش به شهرهای کردستان با گسیل نیروئی وسیع و همراه کردن هیئت خلخالی جلاد برای زهر چشم گرفتن و مرعوب نمودن مردم مبارز کردستان از پاوه شروع به قلع و قمع و کشتار و اعدام نمود.

از جمله کشتار و اعدام دستجمعی عده‌ای در شهر پاوه در کنار بیمارستان شهر، اعدام جمعی مبارز در شهر سنندج در فرودگاه شهر و به همین ترتیب در شهر مریوان و سقز این صحنه‌های اعدام دستجمعی و چند دقیقه‌ای در دادگاه‌های فرمایشی و فرمالیته که خود خشم مردم مبارز و توده ستم دیده کردستان را بیش از پیش بر انگیخت و نیروهای سپاه و ارتش را محدود به پادگانها راند و باز هم فضائی آرام با رجوع به دستاوردها و تجارب مبارزاتی در پی حفظ آنها بر آمدند. برای ضمانت بیشتر حفظ این شرایط مطلوب مستلزم آن بود که ارگانه‌های توده‌ای و

حاکمیت محلی در محلات، مراکز کار، مدارس، دانشگاه و ادارات به وجود آید. جدای از سازمانهای سیاسی که به فعالیت های روتینی خود مشغول بودند، معلمان در پی بازسازی کانون معلمان که قبلاً هم داشتند، همت گماشتند. دانش آموزان، شوراهای خود را بوجود آوردند. کارگران در تشکلهای کارگری خود متشکل و در تظاهراتی که به مناسبتهای گوناگون برگزار میشد با شعار و پلاکارد خود حضور مییافتند. شورای شهر دوباره بازسازی و کارش را از سر گرفت. شورای زنان در محلات مختلف و اماکن مختلف شروع به فعالیت و تبلیغ و ترویج و سازماندهی شد. ضرورت ارگانی برای ایجاد و هماهنگی شوراهای محلات که از تجربه دوران قیام که در مساجد محل تجمع و برای رتق ورتق امور محله از جمله سوخت رسانی، مواد غذایی و... اقدام مینمود و یا برای هماهنگی ادارات رفع و رجوع کارها، و این ضرورت فعالان شهر را بر آن داشت که در نتیجه بحث و صحبت فراوان نتیجه تاسیس مرکزی به نام (هیئت موسس شورای محلات) در سطح شهر سنندج بود. از افراد اولیه تشکیل دهنده هسته اصلی این هیئت میتوان از رفقا و دوستانی نامبرد، ۱- فهتی کلاهقچی، ۲- نعیم گروسی نژاد، ۳- یدی ترابی (که متأسفانه شنیدم که که بر اثر مریضی جان خود را از دست داده است)، ۴- رفیق جانبخته رحمت پهلوانی، ۵- فردی بنام یدی، ۶- دوستی بنام اشرف، ۷- رفیق جانبخته اشرف قدرجو (جلال رزمنده)، ۸- اردشیر نصرالله بیگی.

بعد از دوره های فعالیت جزوهای از جانب این هیئت برای معرفی و آغاز به کارش در سطح شهر سنندج چاپ و منتشر و پخش گردید که مورد استقبال قرار گرفت و در جزوه اهم وظایف و کارهای محوله خود را تشریح نموده بود که حتی این جزوه و تجربه این فعالیت به شهرهای دیگر منتقل میشد. در پیرودی دیگر از فعالیتش جمعی دیگری بدان پیوستند، چون گسترده تر شد از جمله رفقا رضایغموری، فرشاد سلطانپور و نادرنامی.

از اهم فعالیتهايش همانگونه از اسمش بر می آمد بررسی زمینه ها و تشکیل شورای محلات بخصوص در محلات از اطراف شهر شروع گردید که با تماس و جمع نمودن توده مردم از زن و مرد و پیر و جوان در مسجد محلات و ضرورت انتخاب شورای از ترکیب زن و مرد و پیر و جوان برای پیشبرد و رفع و رجوع مشکلات و معضلات محله از مشکل برق و آب و فاضلاب و... توسط خودشان و دخالتگری بیشتر برای تامین رفاهیات بیشتر و پیش بینی سختیها و پیش آمدهای ناگهانی و ناگوار تا چه رسد به اطلاع رسانی از هر بابت که همگی دست به دست هم داده در سطح شهر سنندج با همکاری و همیاری و آسودگی خیال هرچه بیشتر زندگی را سپری میکردند، چه خاطرات شیرین و چه حالات و حوادث جالبی در طی این فعالیتها که پیش می آمد همگی در نوع خود به یاد ماندنی هستند. لازم به ذکر است که در سطح شهر سنندج تقریباً شاید به جرئت گفت در تمام محلات و حتی حومه شهر و حتی محلات حاشیه نشین شهر این شوراهای به کمک خودشان با شرکت فعال جمع وسیعی برپا گردید که از جانب سازمانهای سیاسی بخصوص جریانات چپ و رادیکال در آن دوره مورد پشتیبانی قرار میگرفت و حتی همکاریهای نزدیکی در بعضی مواقع صورت میگرفت که بیشترین حمایتها از جانب کومهله بود.

اشاره باین مسئله لازمست که برپائی شوراهای محلات اینطور خاتمه نمییافت و از جانب هر شورا در محله فردی رابطه منظم و مرتبی را با هیئت موسس داشت تا در صورت لزوم اخبار و اطلاعات رد و بدل شود و ارتباط ارگانیک حفظ

میشد. گاه‌ها خبر میرسید که عواملی نفوذی و یا خلال‌گرد جهت خرابکاری و یا تخریب این دستاوردها برمیامدند که بموقع از طریق بنکه‌ها در محلات که بازوی مسلح این شوراها و هیئت موسس شورای محلات بودند از پشتیبانی سازمانهای سیاسی بخصوص کومه له برخوردار بودند. شناسائی و مورد مواخذه و یا در جهت ازپیش برپا داشتن ان اقدام میشد. از جمله فعالیت‌های دیگر هیئت موسس ارتباطی منظم و مرتب با ادارات و دواپردولتی برای سازمان‌دادن کارهایشان در سطح شهر از جمله ارتباط با دخانیات برای نظارت بر توزیع عادلانه ترسیگار و توتون و تنباکو در میان مغازه داران و دکه داران و دستفروشان و نظارت بر کار و فعالیت اداره کار و امور اجتماعی برای ایجاد شغل برای بیکاران و رابطه تنگاتنگ با شهرداری برای هر چه پاکیزه و تمیز نمودن سطح شهر و محلات و.... از طرف ادارات نیز سه دستگاه اتوموبیل برای امور کارهای هیئت موسس اختصاص یافته بود که تا آخرین روزهای جنگ ۲۴ روزه شهر سندانج در بهار ۵۹ از ان استفاده شد. از اقدامات دیگری که هیئت موسس در دستور کارش قرار گرفت این بود که مطلع شدیم در سردخانه شهر در زمان یورش ۲۸ مرداد ۵۸ به شهر مواد غذایی فراوانی ذخیره شده که بعد از مشورت و رایزنی تصمیم گرفته شد در یک اقدام جسورانه بنفع مردم شهر مصادره گردد و اینکار صورت گرفت بعد از اینکه محل از جانب شورا و بنکه محل شناسائی و وارسی شد انرا از سردخانه خارج و بانظارت و کنترل کامل در چند مغازه در سطح شهر بانرخی مطلوب و تاحدی ارزان در اختیار مردم شهر قرار گرفت و بخشی با نظارت شوراها و بنکه‌ها در محلات حاشیه نشین در میان مردم تهیدست و کم درآمد و بیکار توزیع شد. این حرکات تاثیرات مثبتی در میان مردم تهیدست و محروم جامعه برجای گذاشت که بیادماندن نیست. و یا مورد دیگری را بازگو نمایم که با خبر شدیم که چند محموله سیگار قاچاق وینستون به شهر سندانج وارد و در مکانی مخفی گردیده سپس از جانب بازوی مسلح هیئت موسس یعنی بنکه که در کنار شورای محله‌ها حضوری فعال داشتند این محموله‌ها هم مصادره و در اختیار دستفروشان کم درآمد و تعدادی از مغازه‌ها در سطح شهر قرار گرفت که مورد استقبال قرار گرفت و درآمد فروش سیگارها در اختیار هیئت موسس قرار گرفت که بخشی از ان به مردم بی بضاعت تعلق گرفت و سپس در تصمیم گیری و پیشنهاد از جانب سازمانهای سیاسی حاضر در عرصه سیاسی و اجتماعی شهر هیئت موسس بر ان شد که مبالغی که از فروش مواد غذایی سردخانه و یا فروش سیگارهای مصادره‌ای حاصل شده به نسبت نیرو و فعالیت سازمانها در میان آنها توزیع گردد و این عمل صورت گرفت. در این حول و حوش بودیم که با خبر شدیم که در روستاهای بخشی از مریوان از جمله داریسیران خساراتی به مردم وارد آمده که در سطح شهر از جانب هیئت موسس داده شد که مبلغی پول و پوشاک و مواد غذایی جمع اوری و به هیئت موسس سرازیر شد. در اقدامی سریع به همراه یک اتوموبیل سیمرغ و سائل جمع اوری شده به همراه یک هیئت سه نفره (فرشاد سلطانپوری - اردشیر نصرالله‌بیگی) به مریوان برده شد و در بنکه شهید جلال نسیمی تحویل داده شد که بیش از حد تاثیر داشت.

و یا یکبار هم هیئتی ۳-۴ نفره همراه محموله‌ای خوراکی و مالی برابر کمک رسانی به قارنا و قه لاتان از طرف هیئت موسس شورای محلات بدان محل روانه گردید (رفقا فهتی کلاه قوچی - نعیم گروسی نژاد فرشاد سلطانپور ...) جزو این هیئت کمک رسانی بودند.

از این اقدامات و این حرکات بسیار مشاهده میشد و انجام میگرفت که همگی در جزوات متعدد با روشنی بودن بخش مالی و دقت در آن پخش و توزیع و معمولاً از پیش شورای محله‌ها و مردم شهر بشیوه‌های متعدد در جریان قدم به قدم این اقدامات قرار میگرفتند. در جریان اعتصاب و تحصن یکماهه در ساختمان استانداری برای بیرون راندن نیروهای سپاه پاسداران در محل باشگاه افسران در مرکز شهر و مشرف بر بخش وسیعی از شهر که این خواست از جانب مردم شهر مطرح شد. در اکثر تظاهراتها دوباره میشد، چون رژیم این خواست برحق مردم را نادیده میگرفت نتیجه این تلاشها به تحصن در محل استانداری منجر گردید، یک ماه به طول انجامید و با یک اعتصاب غذا در محل مسجد جامع شهر به پایان خود رسید که با استقبال گرم و پرشور مردم شهر و حومه و پشتیبانی مردم شهرهای دیگر قرار گرفت. لازم به یاد آوریست که هر روزه در محل استانداری در طول تحصن سخنرانی و گزارش و گزارش دهی از جانب جریان‌های سیاسی و شخصیت‌های مختلف سیاسی اجتماعی برقرار بود که معمولاً به بهانه‌های گوناگون نمایندگان هیئت موسس در تحصن حضور مییافتند و گزارشات لازم از فعالیت خود را خطاب به مردم شهر در محل میدادند.

گاه‌ها بنک‌های محلات از نمایندگان هیئت دعوت نموده تا در مورد پرسش در رابطه با مسائل گوناگون صحبت نمایند. از آخرین فعالیت‌های جدی و به یادماندنی هیئت موسس در دوران شروع جنگ تحمیلی ۲۴ روزه و حماسی شهر سنندج در سال ۱۳۵۹ در تدارک و آماده سازی و جلسات در مساجد با مردم در بنک‌های محلات و سپس برای اینکه جنگ به مراحل حساسی رسید در بستن سنگرها و آماده سازی امکانات برای مقابله با دست درازی و یورش رژیم به شهر از جانب پادگان و نیروئی که از طریق کرمانشاه و همدان جهت تقویت ارتش سپاه پاسداران که در پادگانها قائم شده بودند، هیئت موسس با همکاری مردم شهر در بسیج و جمع آوری مردم و اطلاع رسانی در مسیر جاده کرمانشاه در چند نقطه دیواری انسانی ساختند و ستون اعزامی تا دندان مسلح که به همراهش بیش از ۲۰ تریلی و کامیون مواد خوراکی، سوختی، اسلحه و مهمات بود متوقف گردید. ستون اعزامی میخواست مسر خود را از منطقه‌ای بنام گریزه به طرف باوه‌ریز عوض کند، تا بتواند بهر شیوه‌ای شده خود را به پادگان شهر و باشگاه برسانند، نیروی مسلح مردم و پیشمرگان مقاومتی را سازمان دادند که بی نظیر و بیادماندنی است.

بهر صورت ستون در مقابل اراده مردم و نیروی پیشمرگ به زانو در آمد و بیشتر خود روهایشان در جاده نزدیک سد قشلاق به گل نشست چون کارگران و مردم اطراف سد آبهای مناطقی را باز نموده و باتلاقی برای ستون فراهم شد. رانندگان خودروها تسلیم و سپس این مواد و سوخت به داخل شهر راهنمایی شدند، آنگاه مواد خوراکی را با نظارت هیئت در تمام محلات شهر توزیع و انبار شدند که در موارد ضروری از آن استفاده شد و مواد سوختی تحویل دو مرکز پمپ بنزین در میدان اقبال و فیض آباد ذخیره گردید.

دوران جنگ چون طولانی و فرسوده کننده شد و شهر در خاموشی رفت چون برق دیگر کاملاً قطع شد نانوائی‌ها در شب مجبور به کار میشدند و گاهی در بعضی مناطق اصلاً مواد خوراکی و آرد کم شد مجبور به اقداماتی میشدیم. از جانب مردم چند محل تعاونی که یکی در خیابان شاهپور سابق در مقابل استانداری قرار داشت و مکانی دیگر در

فیض آباد که حاوی مواد خوراکی بود تصمیم به مصادره آن گرفته شد و از طریق نمایندگان شوراهای محله‌ها و بنک‌ها چند خودروهاییه و آنها در محلات توزیع نمودیم و نانوائیها رابکار انداخته و یا گاه‌ها در محلات در بعضی مدارس جمعی به کار آشپزی عمومی و پختن نان مشغول و بخصوص در محلات پشت جبهه نزدیک این وظایف را به خوبی انجام و سنگر به سنگر پیشمرگان و مردم مسلح مدافع و محافظ شهررا کمک کرده تا بتوانند یورش وحشیانه رژیم را به عقب رانند. لازم به ذکر است که در مدت جنگ هزاران گلوله خمپاره توپ و آر پی جی به شهر بارید که کم منطقه و محله‌ای بود که ویران نشده باشد.

تا آخرین لحظات مقاومت توده‌ای ۲۴ روزه، هیئت موسس شورای محلات کارهای اجرائی به همراه مردم شهر و مردم مسلح و سازمانهای سیاسی و پیشمرگان را تا حد امکان بنحو احسن انجام داده که بی نظیر و فراموش ناشدنی است از یک حرکت توده‌ای و شرکت فعال توده‌ها در امور اجرایی و زندگی روز مره خودشان و یک درس و تجربه همگانی و موفق در شرایط آزاد به دور از وحشت و ترس نگرانی در فضائی صمیمانه که برای هر بیننده‌ای که از شهرهای مختلف ایران به سنجش می آمدند جالب و دیدنی و جای تعمق بود.

البته شاید این نوشته کمبود و یا اشکال داشته باشد که امیدوارم دوستان و رفقا و عزیزان دیگری که از این دوران و در این حرکت شریک و سهیم بوده‌اند این نوشته را غنیتر نمایند تا این دست آورده‌ها به شیوه‌ای جدی به تحریر در آید و عزیزانی که میخواهند در این بابت صحبت کنند و یا جنبه‌های مختلف آن را مورد بررسی و نقد قرار دهند جای بسی خوشحالی خواهد بود.

فراموش نکنیم که نسل آینده باید از این رویدادها بشیوه‌ای واقع بینانه مطلع گردد.

با آرزوی اینکه هر دوست و رفیقی برای به تحریر در آوردن این گونه رویدادهای تاریخی در سیر مبارزه‌مان بهر شیوه‌ای که ممکن میدانند در این جهت بکوشد.

پیروز و موفق باشید.

ماه مه ۲۰۰۷ میلادی